

مسأله جداسازی یا گروه‌بندی دانش‌آموزان براساس ویژگیهای خاص، بویژه با توجه به هوش و استعداد‌های برتر و تأمین آموزش و پرورش جداگانه برای گروه‌های مختلف دانش‌آموزان و با استعدادهای متفاوت، با اینکه در گذشته، در جوامع مختلف و به دلایل گوناگون مورد توجه مسئولان آموزش و پرورش قرار داشته است، اما در سالان اخیر به دلیل توجه مسئولان و مربیان تعلیم و تربیت به عواقب و آثار این قبیل گروه‌بندیها در جامعه و نیز به دلیل مطرح شدن نظریه‌ها و روشهای تربیتی جدید، بعد تازه‌ای یافته و اقدامات تربیتی متنوعتری که به ابعاد مختلف شخصیت یادگیرندگان نظر دارد، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

با این حال مسأله‌گزینش و جداسازی دانش‌آموزان هنوز در بسیاری از جوامع از جمله در کشور ما مطرح است و نظریات موافق و مخالف مربیان تعلیم و تربیت و مردم را برمی‌انگیزد.

آنان که مخالف انتخاب و جدا کردن دانش‌آموزان براساس آزمونهای هوش و استعداد و تشکیل کلاسها و مدارس مخصوص برای آنان هستند، معتقدند که:

۱- جداسازی شاگردان، نخبه‌گرایی است و

- گزینش و جداسازی دانش‌آموزان براساس هوش و استعداد، نتیجه عوارضی می‌تواند برای فرد و جامعه در برداشته باشد؟

- چگونه می‌توان بی‌حوصلی و اتلاف وقت دانش‌آموزان و هوش در کلاس معمولی را چاره‌جویی کرد؟

- آیا گروه‌بندی دانش‌آموزان براساس معدل، هوش و استعداد به معازگاری اجتماعی آنان لطمه وارد خواهد ساخت؟

- گروه‌بندیهای همگن با کدامیک از اهداف آموزش و پرورش مغایرت دارد؟

= یادگیری مشارکتی، مدارس پرجاذبه و گروه‌بندیهای ناهمگن، روشهایی سازنده در مقابل جداسازی دانش‌آموزان و گریز از عواقب نامطلوب آن

## آموزش و پرورش نابرابر در خدمت برابری اجتماعی



وکسانی که طرفدار ایجاد مدارس و کلاسهای مخصوص برای کودکان مستعد هستند، بدین ترتیب استدلال می‌کنند:

۱- رشد و توسعه هر جامعه از نظر علمی، اجتماعی، اقتصادی و هنری نیازمند استفاده بهینه از حداکثر استعدادها و تواناییهای ویژه افراد جامعه است. جداسازی دانش‌آموزان مستعد و تأمین آموزش و پرورش مناسب و در خور تواناییهای ویژه آنان جامعه را در تأمین نیروی انسانی ممتاز مورد نیاز، اعم از اندیشمندان، فیزیکدانان، سیاستمداران، هنرمندان و رهبران یاری می‌کند.

۲- ایجاد کلاسها و مدارس ویژه کودکان و نوجوانان ممتاز از نظر انسانی قابل توجیه است، زیرا برنامه‌های معمولی مدارس و کلاسهای پرجمعیت با شاگردانی که از نظر استعدادهای ذهنی متفاوتند نمی‌تواند انگیزه‌های ذهنی لازم را در آنان ایجاد کند. حضور در کلاسهای

باعث می‌شود گروهی به خاطر برخورداری از امتیازات ویژه به مناسبت آموزشی که دریافت کرده‌اند، به دیگران مسلط شوند.

۲- گروه‌بندیهای همگن براساس توانایی درسی دانش‌آموزان به فردگرایی و رقابت در محیط کلاس می‌انجامد و این امر با تقویت روحیه تعاون و همکاری بین کودکان که از اهداف آموزش و پرورش است، مغایرت دارد. از آنجا که همه افراد جامعه باید توانایی کار و فعالیت گروهی در جهت رشد و توسعه جامعه را کسب کنند، جداسازی دانش‌آموزان در سنین پایین مانع سازگاری اجتماعی بعدی آنان در جامعه و در محیط کار خواهد شد.

۳- ایجاد کلاسها و مدارس خاص و تهیه امکانات لازم برای برخورد بانایزهای گروههای مختلف دانش‌آموزان پرخرج است و بسیاری از جوامع نمی‌توانند هزینه‌های سنگین ناشی از جداسازی دانش‌آموزان را بپذیرا باشند.

در این بخش از مقاله به خلاصه‌ای از نظریات دوتن از صاحب‌نظران آموزش و پرورش در مورد تحول و نگرش فعلی به آموزش و پرورش کودکان، بویژه دانش‌آموزان مستعد و تیزهوش در امریکا و فرانسه اشاره می‌شود.

### نظری به آموزش و پرورش کودکان مستعد و تیزهوش در ایالت میشیگان

دکتر "پرسی بیلز" (PERCY BALES)، مدیر برنامه‌های تأمین فرصت‌های آموزشی دانشگاه میشیگان در گفت و گویی با نگارنده دیدگاه خود را در مورد آموزش و پرورش کودکان، با استعداد‌های متفاوت به شرح زیر بیان می‌دارد. کشور امریکا سابقه‌ای طولانی در امر آموزش و پرورش کودکان مستعد و تیزهوش دارد و در حقیقت اولین مدرسه مخصوص تیزهوشان در سال ۱۹۹۰ در "ماساچوست" افتتاح شده است. از اواسط قرن بیستم تحت تأثیر تحولاتی که در نظام آموزشی ایالات متحده آغاز و در اثر پرتاب اولین ماهواره روسی به فضا تشدید شده بود، تفکر غالب بر این اصل قرار گرفت که کودکان ممتاز و تیزهوش باید جدا از سایر دانش‌آموزان و با برخورداری از امکانات خاص و سرمایه‌گذاریهای عظیم در جهت رشد و پیشرفت جامعه آماده شوند؛ اما با توجه به نتیجه پژوهشهای بعدی بخصوص در دهه اخیر، نگرشهای جدیدی نسبت به آموزش و پرورش کودکان به وجود آمده است. در امریکا بسیاری از مربیان تعلیم و تربیت و مردم مخالف جداسازی کودکان هستند، زیرا برای رشد اجتماعی و عاطفی کودکان نیز به اندازه رشد ذهنی اهمیت قائلند و عقیده دارند که این مهم

معمولی غالباً به بی‌حوصلگی و اتلاف وقت این کودکان منجر خواهد شد و در بسیاری از مواقع به ایجاد مسائل انضباطی خواهد انجامید.

۳- شناخت کودکان مستعد، تأمین آموزش و پرورش مناسب برای آنان و تجربیاتی که در اثر کار با گروه‌های دو سرطیف (تیزهوش - عقب مانده تحصیلی) به دست می‌آید، می‌تواند به پیشرفت آموزش و پرورش کودکان عادی کمک کند.

بدین ترتیب در تأمین آموزش و پرورش کودکان، جوامع در مقابل دوهدف متضاد قراردارند. از یک سو نیاز به ایجاد برابری اجتماعی که از اهداف ارزشمند هر جامعه است، ایجاب می‌کند که کودکان به رغم تفاوت‌های فردی برای کسب تجربیات اجتماعی در کنار هم کار و تحصیل کنند و از سوی دیگر نیاز به برتری جویی و کمال‌گرایی علمی و توانایی رقابت در صحنه بین‌المللی، تمایل به تأمین برنامه‌های مخصوص برای کودکان برخوردار از استعداد‌های ویژه را طلب می‌کند.

بدیهی است هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند یکی از هدفها را به خاطر هدف دیگر زیر پاگذارد. مهم ایجاد تعادل بین دوهدف فوق و روشن ساختن این امر است که هر یک از ارزشهای ذکر شده چه جایی در برنامه‌های آموزشی دارد و برنامه‌ها و اقدامات تربیتی تا چه حد باید تحت تأثیر این ارزشها قرارگیرد.

لازم به تذکر است که در دهه اخیر گرایش غالب در بسیاری از کشورهای اروپایی و در امریکا در جهت گروه‌بندیهای غیر همگن و ایجاد فرصتهایی است که دانش‌آموزان به رغم تفاوت‌های فردی بتوانند ضمن برخورداری از امکانات ویژه در کنار هم کار و تحصیل کنند.

بیش از کتابخانه است و مسؤول این کلاس با شناختی که از یکایک کودکان و تواناییها و نیازهای آنان کسب می‌کند، برنامه خاصی برای هر یک تهیه و تنظیم و با آنان به صورت انفرادی و یا در گروههای کوچک کار می‌کند.

۳- تنظیم فعالیتهای خارج از کلاس یا مدرسه: این فعالیتها هر روز در ساعات صرف ناهار، در تعطیلات آخر هفته و تعطیلات بهار و تابستان ارائه می‌شود. بدین ترتیب که کودکان ممتاز ساعات مدرسه را در کنار همکلاسیهای خود می‌گذرانند و به انجام فعالیتهای مشابه مشغول می‌شوند؛ اما در خارج از کلاس و مدرسه از برنامه‌های غنی شده و محتوای درسی پیچیده‌تری که با نیازهای آنان بیشتر سازگار است، استفاده می‌کنند.

### شناسایی و تشخیص کودکان مستعد و تیزهوش

تشخیص استعدادها درخشان کودکان (تواناییهای ذهنی، خلاقیت، رهبری، استعداد ویژه هنری و غیره) به منظور قراردادن آنان در برنامه‌های غنی شده به طرق مختلف انجام می‌گیرد:

- ۱- از طریق روان‌شناس مدرسه با استفاده از آزمون هوش
  - ۲- به توصیه معلم
  - ۳- به توصیه اولیاء
  - ۴- از طریق قضاوت همکلاسیها
- معمولاً هیچ‌یک از روشهای بالا به تنهایی برای تشخیص کودکان مستعد کافی نیست و باید ترکیبی از روشهای یادشده به کار رود.

نمی‌تواند در مدارس مخصوص تأمین شود. در حال حاضر آموزش و پرورش کودکان مستعد به سه طریق زیر انجام می‌پذیرد:

۱- گزینش شاگردان برای مدارس مخصوص (گروه بندی همگن):

در شهر "دیترویت" و در برخی از شهرهای ایالات مختلف هنوز مدارس محدودی با برنامه‌های خاص برای کودکان تیزهوش دایراست. در این مدارس کودکان را پس از شناسایی تحت آموزش ویژه‌ای قرار می‌دهند.

۲- گروه بندی ناهمگن:

کودکان ممتاز و مستعد در مدارس معمولی درس می‌خوانند و ضمن ادامه تحصیل با کودکان عادی در ساعاتی از روز از محتوای درسی غنی شده استفاده می‌کنند. این برنامه‌ها بسته به مدارس و عده شاگردان مستعد فرق می‌کند. چنانچه دو یا سه کودک یا نوجوان تیزهوش در کلاس وجود داشته باشند، معلم کلاس مطالب غنی‌تر و گسترده‌تری برای مطالعه در اختیار آن دانش‌آموزان قرار می‌دهد، تکالیف و تمریناتی برای منزل تعیین می‌کند و با مدت مطالعه آنان را در کتابخانه مدرسه افزایش می‌دهد، تا بتوانند در زمینه مورد نظر خویش تحقیق کنند. اگر شمار دانش‌آموزان پر استعداد و تیزهوش زیاد باشد، کلاس خاصی در برخی از ساعات روز یا هفته برای آنان در داخل مدرسه تشکیل می‌شود. در این کلاسها که زیر نظر معلمی متخصص با بودجه مدرسه اداره می‌شود، برنامه آموزشی غنی و منابع آموزشی خاص وجود دارد. این کلاسها که اطاق منبع (RESOURCE ROOM) نامیده می‌شود، چیزی

آموزش ببینند، در گروه‌هایی قرار می‌گیرند که مانند تیم‌های ورزشی موفقیت هریک از آنان بستگی به عملکرد بقیه اعضای گروه دارد. بنابراین هریک از اعضا کوشش می‌کند تا برای موفقیت گروه خود به سایر اعضا کمک کند و مهارت‌ها و دانشی را که در اختیار دارد به شاگردانی که کندتر از او پیش می‌روند و یا هنوز بر برخی از مفاهیم درسی تسلط نیافته‌اند بیاموزد. بدین ترتیب در کلاسی که گروه بندی به صورت ناهمگن انجام می‌گیرد و سطوح کارایی دانش‌آموزان متفاوت است، می‌توان با قرار دادن کودکان با استعداد در گروه‌های مختلف از آنان برای کمک به شاگردان ضعیف و متوسط یاری گرفت.

در این کلاسها می‌توان با تنظیم مسابقاتی بین گروه‌های مختلف و تشویق و تقدیر آنان، انگیزه لازم را برای پیشرفت و موفقیت در گروه‌ها ایجاد کرد. البته باید توجه داشت که کودکان مستعد و تیزهوش نباید در راه مقاصد مختلف مورد استفاده قرار گیرند و این روش را نباید به عنوان چاره ساز هر مسئله آموزشی، مثلاً کمک به کودکان عقب مانده تحصیلی، ایجاد رابطه بین اقلیت‌های قومی و غیره به کار گرفت. هدف و کاربرد این روش باید کاملاً برای مربیان مشخص باشد.

به همین ترتیب وادار کردن کودکان و نوجوانان به کارگروهی کافی نیست، بلکه نتیجه کارگروه باید مورد ارزشیابی مستمر و تشویق و تأیید قرار گیرد. از آن گذشته موفقیت هر گروه به یادگیری هریک از اعضای گروه بستگی دارد و بنابراین معلم کلاس باید در هریک از دروس به فعالیتها و انگیزه هریک از شاگردان و نقش او در گروه توجه داشته باشد و

تحقیقات نشان داده است که معلمان معمولاً مایلند کودکانی را که بیشتر به آنان علاقه دارند برای استفاده از برنامه‌های مخصوص پیشنهاد کنند. بنابراین لازم است در این مورد از قضاوت بیش از یک معلم استفاده شود. از طرفی بسیاری از اولیای دانش‌آموزان نیز معتقدند که فرزندشان با هوشتر و مستعدتر از سایر شاگردان است.

قضاوت دانش‌آموزان معمولاً معتبرتر از قضاوت معلمان و اولیاء است. در این مورد می‌توان به وسیله مصاحبه یا پرسشنامه از شاگردان سؤالاتی شبیه سؤالات زیر مطرح کرد:

- وقتی معلم مسأله‌ای را مطرح می‌کند چه

کسی سریعتر جواب می‌دهد؟

- چه کسی انشای قشنگتری می‌نویسد؟

- چه کسی بهتر از همه از روی کتاب می‌خواند؟

- دیکته کدامیک از شاگردان از همه بهتر است؟

- وقتی معلمتان حضور ندارد کدامیک از شاگردان بهتر کلاس را اداره می‌کند؟

و...

#### ۴ - یادگیری مشارکتی:

یکی دیگر از راه‌هایی که در مقابل جداسازی دانش‌آموزان و عواقب آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، یادگیری مشارکتی است. براساس این روش شاگردان کلاس در گروه‌های کوچکی قرار می‌گیرند و از آنها خواسته می‌شود برای رسیدن به هدفهای تعیین شده آموزشی باهم کار کنند.

در این روش شاگردان به جای اینکه در رقابت با هم قرار گیرند و یا به طور انفرادی



تحقیقات مختلفی که در چند دهه اخیر در مورد یادگیری مشارکتی به توسط پژوهشگران انجام گرفته است، براین امر تأکید دارد که این روش تأثیر مثبتی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان، بهبود روابط و تقویت اعتماد به نفس آنان داشته، به وارد ساختن دانش آموزان استثنایی به جریان عادی آموزش و ایجاد علاقه به مدرسه کمک می کند. باید توجه داشت که یادگیری مشارکتی تنها یک تکنیک یا استراتژی یادگیری نیست، بلکه کودکان در کلاسی که تشویق می شوند با هم و برای پیشرفت گروه کار کنند، با نفی سلسله مراتب براساس تواناییهای ذهنی یاد می گیرند به تفاوت های فردی احترام گذارده، از برقراری ارتباط مثبت با افرادی که از نژادها، مذاهب، طبقات مختلف اجتماعی و دارای تواناییهای متفاوتی هستند، استقبال کنند و از فرصتهای غنی و پرباری که یک چنین روش آموزشی در اختیار آنان می گذارد، بهره مند

احساس مسؤلیت را در اعضاء تقویت کند. این روش از آنجا مفید به نظر می رسد که دانش آموز ناچار است بعدها در جامعه، در کنار سایر افراد و برای رسیدن به اهداف مشترک کار و فعالیت کند. امروزه حتی در مراکز علمی دنیا نیز برخلاف سابق که دانشمندان در لابراتوار خود کار می کرد، شرکت های بزرگ، تیم های دانشمندان را به کار می گیرند و بنابراین لازم است دانش آموزان در مدرسه، کار کردن و همکاری با دیگران را یاد بگیرند و همراه با تسلط بر محتوای درس، مهارتهای ارتباطی خود را نیز رشد دهند. باید دانست که موفقیت این روش درگرو آموزش معلمان است و اعتقاد آنان به این امر که مهارتهای ارتباطی باید همانند درس اصلی برنامه مانند ریاضیات، مطالعات اجتماعی و غیره در کلاس تدریس شود و شاگردان در مورد اهمیت و لزوم مهارتهای اجتماعی آگاه گردند.

شوند.

آموزش و پرورش کودکان تیزهوش اعتقاد دارد که در کشور فرانسه نگرش اکثر مربیان تعلیم و تربیت براین اصل قرار دارد که جداسازی دانش‌آموزان و ایجاد مدارس خاص برای تیزهوشان مغایر با ارزشها و اهداف اجتماعی این کشور است. بدین جهت در سال گذشته تنها مدرسه کودکان تیزهوش در شهر "نیس" به نام LA PLANAS تعطیل شده و کودکان تیزهوش به مدارس عادی انتقال یافته‌اند. در کشور فرانسه سازمانی تحت عنوان حمایت از کودکان تیزهوش وجود دارد که از سال ۱۹۷۱ به منظور کمک به شناخت بهتر کودکان تیزهوش و ایجاد فعالیتهایی برای شکوفایی استعدادهای آنان در نیس دایر شده است. این سازمان با تشکیل کنگره‌های سالیانه و تنظیم فعالیتهای خارج از مدرسه برای این نوع کودکان، در ارتقای آموزش و پرورش کودکان مستعد نقش خود را ایفا می‌کند.

در فرانسه تا همین اواخر کودکان تیزهوش می‌توانستند از روشهای تسریع تحصیلی و جهش تحصیلی استفاده کنند و براساس توانایی خود و نه سن، به یک مقطع آموزشی وارد شده، یا دروس مورد نیاز هر کلاس و یا سال تحصیلی را با سرعت بیشتر به پایان برسانند. با اینکه هنوز در برخی از مدارس این روش مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما از آنجا که بر اساس تحقیقات انجام شده این روش غالباً پاسخگوی نیازهای کودکان مستعد نیست و در برخی از مواقع نیز می‌تواند تأثیرات ناگواری از نظر عاطفی بر آنان باقی گذارد، در حال حاضر تأکید بر تهیه محتوای آموزشی مناسب برای این قبیل کودکان است و لذا روشهای زیر بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

#### ۵- مدارس پرجاذبه (MAGNET SCHOOLS):

مدرسه پرجاذبه مخصوص کودکان تیزهوش نیست، بلکه مدرسه‌ای است دولتی با محتوای درسی غنی‌تر، امکانات آموزشی بهتر و معلمان مجرب‌تر. این مدارس بدین منظور تأسیس شده است تا کودکان طبقات مختلف اجتماعی، کم استعداد و پر استعداد، در کنار هم در محیط آموزشی پرجاذبه‌ای بدون تبعیض درس بخوانند و براساس علائق و نیازهای خود از بهترین امکانات آموزشی و تربیتی بهره‌مند شوند.

برنامه آموزش مدارس پرجاذبه بستگی به اهدافی دارد که مدرسه برای خود تعیین کرده است؛ مثلاً یک مدرسه با داشتن معلمان ریاضی مجرب، امکانات تکنولوژیکی غنی و آزمایشگاههای مجهز، دانش‌آموزانی را که براین جنبه از برنامه آموزشی توجه بیشتری دارند به خود جلب می‌کند. مدرسه دیگری ممکن است با امکانات ورزشی - هنری مجهز و مربیان توانا در زمینه‌های فوق، کودکان و نوجوانانی را که استعدادهای هنری و یا ورزشی ویژه‌ای دارند، جذب کند.

این مدارس که بودجه آن به توسط دولت تأمین می‌شود، بسیار مورد توجه اولیای دانش‌آموان طبقات مختلف اجتماعی است.

#### فرانسه و آموزش و پرورش کودکان مستعد و تیزهوش

دکتر "POL DUPONT"، رئیس انستیتوی مدیریت آموزشی دانشگاه "مونس" در مورد

هدایت شوند و نیز فعالیتهایی عملی در ارتباط با دروس خود انجام دهند.

در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان ممتاز باید همواره به این نکته توجه داشت که هدف تنها شکوفایی ذهنی و کسب نتایج تحصیلی درخشان نیست، بلکه کاربرد صحیح دانش که نتیجه پرورش خصلتهای اخلاقی آنان است از اهداف مهم‌تری برای این دانش‌آموزان محسوب می‌شود.

### معلم و آموزش و پرورش کودکان مستعد

آموزش و پرورش کودکان ممتاز و پر استعداد بخصوص در کلاسی که شاگردان از نظر استعداد و توانایی در سطوح مختلفی باشند، کار ساده‌ای نیست و نیازمند معلمانی است که در درجه اول خود باهوش و خلاق بوده، در رشته خود تبحر کافی داشته باشند. معلمانی که نگرش مثبت نسبت به کودکان با استعداد داشته، از سؤالات، کنجکاویها و انرژی علمی آنان واهمه نداشته باشند. کودکان مستعد به معلمانی نیازمندند که اهمیت ابعاد مختلف شخصیت انسان را در نظر داشته، بتوانند رابطه‌ای براساس قبول و پذیرش کودک برقرار کنند. معلمانی که بتوانند با ایجاد جوئی مملو از صمیمیت و امنیت در کلاس، فعالیتهای شاگردان را طوری سازمان دهند تا از ورای جزئیات امور فراتر رفته، دیدی منظم، کلی و انعطاف پذیر در زمینه مورد مطالعه به دست آورند.

بدیهی است ترتیب و تنظیم برنامه برای کودکان مستعد در یک کلاس معمولی مشکلتر از تنظیم برنامه برای کودکان یک کلاس خاص با

### ۱- غنی سازی برنامه‌های درسی:

منظور از غنی ساختن محتوای دروس، خارج شدن از زمینه محدود برنامه کلاس و ایجاد فرصتهایی است تا دانش‌آموزان مستعد به جای دریافت مجموعه پرحجمی از اطلاعات پراکنده بتوانند مفاهیمی را در ارتباط با هم قرار داده، از جنبه‌های مختلف به آن بنگرند و وقایع را به روشی انتقادی ارزیابی و نتیجه‌گیری کنند. غنی ساختن محتوای درسی کمک به کودک در استدلال مسائل پیچیده، فهم وقایع و وضعیتها، عصرها و انسانهای مختلف است و به عبارت دیگر کمک به شاگرد در دستیابی به قضاوتی است که مستقل از وابستگیهای محیطی و قومی باشد.

از آنجا که گاه تسریع و غنی سازی برنامه آموزشی کودکان عادی برای دانش‌آموزان ممتاز کافی به نظر نمی‌رسید، در بسیاری از موارد محتوای آموزشی کودکان فوق براساس نیازها و علائق خاص آنان تهیه می‌شود.

### ۲- عمیق و گسترده ساختن مطالب درسی:

منظور از عمیق کردن مطالب، ایجاد فرصتهایی است که شاگردان مستعد بتوانند به معلومات سطحی مورد تقاضای دروس استاندارد اکتفا نکرده، به طور گسترده‌تری در برخی از زمینه‌ها که مورد توجه آنان است مطالعه کنند. محتوای یک برنامه درسی در زمینه تاریخ، جغرافیا، علوم و غیره را می‌توان به آسانی به صورت گسترده‌تر و عمیق‌تری تدریس کرد. به طور مثال شاگردان مستعد تشویق می‌شوند سؤالات تکمیلی طرح کنند و در جست و جوی پاسخ به کتب و منابع مناسب





است کمک کند و یا با ارائه گزارش در باره موضوعی که مورد تحقیق و مطالعه شخصی او قرار گرفته، دیگران را در تجربیات خود شریک سازد.

این قبیل فعالیتها در کلاس نه تنها برای معلم و سایر شاگردان مفید خواهد بود، بلکه ضامن پیشرفت و شکوفایی کودک تیز هوش از نظر ذهنی، عاطفی و اجتماعی خواهد بود و احساس مسئولیت را در وی تقویت خواهد کرد.

بدیهی است دانش آموزان مستعد نباید باین برنامه آموزشی استاندارد و یا سرعت رشد شاگردان معمولی، تحت این عنوان که عدالت اجتماعی آموزش و پرورش یکسانی را ایجاد می کند، پیش بروند. عقیده مریبان تعلیم و تربیت در فرانسه برعکس براین میناست که لازمه تأمین برابری واقعی فرصتهای آموزشی بین کودکان نابرابر، آموزش و پرورش نابرابر

تواناییهای مشابه است. بعضی ها عقیده دارند که وجود کودک تیز هوش در کلاس می تواند برای معلم مسأله آفرین باشد، بخصوص که حضور و رفتار این قبیل کودکان و سهولت ذهنی آنان ممکن است در سایر شاگردان واکنشهای منفی برانگیزد و روحیه انتقادی، موشکافانه و یا نوآور آنان برای معلم و برخی از شاگردان قابل تحمل نباشد. از طرفی کودکان تیز هوش در کلاس می توانند به عنوان انگیزه ای برای سایر شاگردان محسوب شوند و فعالیتهای ذهنی و سوالات و رفتار آنان شاگردان کلاس را به تحریک بیشتری وادارد.

مریبان فرانسوی عقیده دارند که از حضور کودکان مستعد در کلاس می توان در جهت شکوفایی و پرورش شخصیت خود آنان و سایر شاگردان مدرسه مدد گرفت. به عنوان مثال کودک تیز هوش می تواند با توضیح دادن مطلب درسی، به شاگردی که مفهومی را متوجه نشده

تأکید فراوان شود و دانشجویان تربیت معلم و نیز معلمان شاغل در ضمن خدمت بتوانند آموزش روانی - تربیتی دریافت دارند، تا ضمن شناخت نیازهای عاطفی کودکان متفاوت در کلاس، مهارت‌های لازم را برای تقویت تواناییهای خلاقه شاگردان کسب کنند. به معلمان باید توجه داد در زمانی که شاگردان علائق و تواناییهای خاص و به صورت متفاوت از سایر شاگردان ابراز می‌دارند، لازم است انگیزه لازم برای تداوم این علاقه ایجاد شود. معلمان نباید انتظار عملکرد و واکنش یکسان از همه شاگردان داشته باشند، زیرا در این صورت تظاهر شوق انگیز دانش آموز برای رشته یا موضوعی خاص ممکن است پیش از آنکه نقطه شروع خلاقیت در آن زمینه درسی باشد، در نطفه نابود شود.

است. یعنی آموزشی که مطابق با استعدادها و تواناییهای هر یک از کودکان بوده، با توجه به تنوع دانش آموزان در کلاس تنظیم شده باشد. وجود شاگردان ممتاز و پر استعداد در کلاس می‌تواند برای معلم به عنوان یک منبع مهم انگیزشی برای مطالعه بیشتر و بهبود روشهای تدریس وی محسوب شود و تجربیاتی که از کار با کودکان تیزهوش و نیز دیر آموز به دست می‌آید می‌تواند در بهبود آموزش و پرورش کودکان عادی مورد استفاده قرار گیرد.

نیازهای متفاوت کودکان در کلاس ایجاب می‌کند که در دوره‌های تربیت معلم به همراه آموزش روشهای تدریس و تکمیل تخصص آکادمیک، بر آموزش روشهای برخورد با تفاوت‌های فردی بخصوص نحوه کار با کودکان دیر آموز و دانش آموزان مستعد و تیز هوش

#### منابع مورد استفاده

- ۱- گفت و گو با دکتر PERCY BALES، رئیس دفتر تأمین فرصت‌های آموزشی دانشگاه میشیگان
- ۲- گفت و گو با دکتر POL DUPONT، رئیس سازمان مدیریت آموزشی دانشگاه مونس
- 3 - SURDOUES : LE DROIT A L'INDIFFERENCE. LE MONDE DE L'EDUCATION NO. 89 ,JAN. 1992
- 4 - AL ROSCA,  
NOUVELLES DIRECTIONS DANS L'ETUDE ET LA FORMATION DES ENFANTS SURDOUES ET TALENTUEUX.
- 5 - MARA SAPON - SHEVIN,  
WHY EVEN GIFTED CHILDREN NEED COOPERATIVE LEARNING. EDUCATIONAL LEADERSHIP, NO.6, 1993.
- ۶- سیما جورابچی، شناسایی و آموزش کودکان تیزهوش، مجله استعدادهای درخشان، شماره ۲، پائیز ۱۳۷۱
- ۷- فاطمه فقیهی قزوینی، جمع‌بندی تحقیقات انجام شده در باره یادگیری مشارکتی، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هشتم، تابستان ۱۳۷۱